

بازنگری قضایی در هند: اصول و اقدام‌های اداری

○ اوشا آنتارودی^۱ (برگردان: آرمان سیفاللهی آذرنمین^۲)

مقدمه

در هند از اواسط قرن بیستم حقوق اداری بعنوان یک شاخه مجزی نظم حقوقی شناخته شده و امروزه سازمان اداری با ایفای نقش مهمی در هر چارچوب زندگی افراد ورود می‌کند و بر این اساس حقوق اداری به یک حوزه کلیدی مطالعه و تحقیق مبدل شده است.

حقوق اداری یک حوزه مرتبط با ثبات و رشد جامعه و حفظ نظم اجتماعی، رفاه بشری و آزاد است. این حقوق وظایف اجتماعی مهمی دارد و بدون شکل مناسب آن هر جامعه محکوم به نیستی خواهد بود. حقوق اداری شالکه محدودیت‌های معقول و پارامترهای مثبتی است که توسط نهاد قانونگذاری و محاکم برای حفظ و پایداری حاکمیت قانون توسعه یافته و عملیاتی شده است.

اهداف ایجاد حقوق اداری بررسی سوء استفاده از قدرت اداری و تضمین شهروندان در رسیدگی بی‌طرفانه اختلافات آنها توسط مقام‌های رسمی و حمایت از تعدی غیرقانونی به حقوق و منافعشان بوده است.

به اعتقاد پروفیسور اوپندار باکسی^۳ Upendra Baxi حقوق اداری مطالعه آسیب‌شناسی قدرت در جامعه در حال توسعه است.

پاسخگویی دارندگان قدرت عمومی در برابر اعمالشان، هسته مرکزی قاعده‌مندی و انتظار اساسی از جامعه مبتنی بر حاکمیت قانون است تا بر اساسی آن متصدیان قدرت عمومی و اقتدار، اقدام‌های خود را از نقطه نظر صحت قانون و معقول و عادلانه بودن اجتماعی موجه نشان دهند.

لذا حقوق اداری بخشی از شالکه پاسخگویی است. قانونگذاران بصورت دوره‌ای با محک‌های صندوق‌های رای روبرو می‌شوند، قضات متخلف مواخذه

۱. قابل دسترسی در آدرس اینترنتی <http://ssrn.com/abstract=1104955>

۲. دانشگاه عثمانیه حیدرآباد هند

۳. دانشجوی دوره کارشناسی ارشد حقوق محیط زیست دانشگاه شهید بهشتی

۴. استاد حقوق بشر و توسعه دانشگاه وارویک انگلیس

می‌شوند و ماموران اداری نیز در برابر سیاستمداران انتخابی مسول هستند. این گونه اشکال پاسخگویی در جامعه حال توسعه با توجه به فقر سواد و ناآگاهی مردم بسیار ضعیف است. مطالعه حقوق اداری زمینه‌ساز یافتن اشکال خاص‌تر پاسخگویی و اهمیت ویژه آن در جامعه در حال توسعه است.

عموماً حقوق اداری بعنوان شاخه‌ای از حقوق عمومی و راجع به سازمان و اختیارات نهادهای اداری و نیمه اداری بوده و حاوی مقرراتی است که بر اساس آنها یک تصمیم اداری اخذ و در ارتباط اختیار و آزادی های افراد مورد بازنگری قرار می‌گیرد و در راس آنها مقررات پردازی، حق و فصل اختلافات و اعمال قوانین می‌باشد. علاوه بر این دسته ای از اقدام های تبعی مانند بازرسی، نظارت عالی و مشاوره نیز در چارچوب این حقوق مطالعه می‌شود.

حقوق اداری همچنین شامل مکانیسم های کنترلی است که از طریق آنها سازمان اداری در چارچوب لازم حفظ شده و برای خدمتگزاری به شهروندان کارآمدتر می‌شود. این مکانیسم های کنترلی «رویه های بازنگری» خوانده می‌شود. دادگاه‌ها اقدام اداری را با تطبیق قانون و شیوه‌های کنترل شکلی، تکلیف به اجرای قانون Mandamus الزام مرجع بالا به تحویل محتویات پرونده کاری Certiorari، منع انجام اقدام Prohibition، اقدام‌های اعلامی Declaratory Actions و تصمیم مرجع ارشد اداری مورد کنترل قرار می‌دهند.

دسترس آسان و سریع به عدالت در شرایط بررسی موثرتر اقدام خطای یک مامور اداری را در اعمال قدرت فراهم می‌کند و مقام اداری را از بکارگیری ابزار اداری در گسترش رفتارهایی که آن را می‌توانیم (خلاف امروز- تاوان فردا) Fly-now-pay-late نام ببریم، باز می‌دارد.

دسترسی به عدالت به تسهیلات شکلی در رسیدگی مانند تشریفات کاهش یافته سریع، ارزان و توأم با معاضدت حقوقی و فراهم شدن وکیل قانونی برای طرح دعوی عمومی اطلاق می‌شود.

هسته مرکزی مطالعه حقوق اداری بر محور تلفیق دو مقوله قدرت و آزادی است. هنگامی که در ابتدای قرن بیستم و آغاز دوره افول عدم مداخله دولت، چارچوب های حقوق اداری متحول شد، بحث اصلی به ارائه تعریف روشنی از قدرت اداری مربوط می‌شد. یک تناقض مهم در تحولات قرن بیستم به افزایش قدرت دولت بازمی‌گردد که از سویی برای تقویت آزادی و اختیار بشر لازم بوده اما در عین حال می‌توانست تهدیدکننده آزادی فردی نیز باشد.

لذا هدف حقوق اداری تبیین چنان اصول و قواعدی است تا توازن قدرت اداری را تأمین کرده و حامی آزادی های فردی باشد.

متخصصان حقوق اداری در انگلیس و هند بیشتر توجه خود را به کنترل قضایی تصمیمات و اقدام‌های اداری متمرکز کرده اند. در بررسی چارچوب‌هایی مانند تربیون‌ها و بازرسی بازنگری دادگاه‌ها هدف یافتن شیوه‌های جایگزین کنترل اقدام اداری است.

این متخصصان از منظر صرف رویه های اداری، کمتر به نحوه اداره نهادهای دولتی و دیگر سازمان های اداری، چگونگی و چرایی اختلاف رویه ها و

ساختارهای آنها از مدل قضایی تصمیم سازی و چگونگی تاثیر و کارآمدی بیشتر رویه‌های اداری از راه اصلاحات داخلی توجه دارند.

قانون اساسی و حقوق اداری

به اعتقاد هالند Holland در کتاب حقوق اساسی انگلیس، قانون اساسی نهادهای مختلف دولت را بصورت ایستا بیان می‌کند اما شیوه تشریح حقوق اداری به شیوه پویا است. لذا ساختار نهادهای قانونگذاری و اجرایی در حوزه قانون اساسی ذکر می‌شود اما تشریح وظایف آنها امر مربوط به حقوق اداری است.

ایور جنینگز Ivor Jennings (استاد دانشگاه لندن) عقیده دارد حقوق اداری با سازمان، شرح وظایف، اختیارات و وظایف مقام های اداری و قانون اساسی با اصول عمومی سازمان و اختیارات نهادهای مختلف دولت، روابط متقابل آنها و روابط این نهادها با سروکار دارند. به سخنی دیگر قانون اساسی با چارچوب بنیادی سروکار دارد و حقوق اداری به جزئیات می‌پردازد.

در کشورهایی که قانون اساسی نوشته دارند، تفاوت حقوق اساسی و حقوق اداری به اندازه انگلیس نامشخص نیست. در چنین کشورهایی قانون اساسی منبع اصلی است و حقوق اداری می‌تواند ناشی از قانون موضوعه، ابزارهای قانونی، رویه‌ها و عرف باشد. در هر حال حقوق اداری امروز صرف نظر از تلافی احتمالی با حقوق اساسی به عنوان بخش مستقل و مجزایی از نظم حقوقی محسوب می‌شود.

شاید نظر صحیح آن باشد که حقوق اساسی و اداری را دو دایره مجزی فرض کنیم که می‌توانند در جایی قدر مشترک داشته باشند. در هند چنین بخش مشترکی را می‌تواند در مکانیسم های کنترلی قانون اساسی برای کنترل مقام اداری (مانند اصل های ۳۲، ۱۳۶، ۲۲۶، ۲۲۷، ۳۰۰ و ۳۱۱) بدانیم و یا اینکه به نهادهای اداری مربوط باشد که توسط قانون اساسی پیش بینی شده اند (مانند شورای بین ایالت ها در اصل ۲۶۳، کمیسیون مالی اصل ۲۸، مقام حل اختلاف بین ایالتی امور آب اصل ۲۶۲). این بحث می‌تواند همچنین به محدودیت های حقوق اساسی اختیارات مقام اداری یا شرایط محدود کننده قانون اساسی راجع به اقدام های اداری مانند حقوق اساسی و بنیادین مربوط باشد.

بازنگری قضایی و اقدام های اداری

بازنگری قضایی یک جزء اصلی حاکمیت قانون و مشخصه پایه ای قانون اساسی هند است. در این کشور قوه قضاییه مستقل است و از اختیارات وسیعی برای حل اختلافات، اعمال جریمه و مجازات و بخصوص تفسیر قانون برخوردار است. دادگاه‌ها از قدرت بازنگری اقدام‌های دیگر قوا و سطوح مختلف حکومت برخوردار هستند و بر اساس نوع صلاحیت می‌تواند اقدام‌های مراجع قانونگذاری و مجریه را در صورت عدم انطباق با قانون اساسی لغو کنند.

در قضیه Union of India و L.Chandra Kumar تعریف محدودی از بازنگری قضایی ارائه شد اما دادگاه عالی Hon'ble اعلام کرد که تعریف بازنگری قضایی در آمریکا با توجه به برخی تعدیل‌ها همپایه درک مشابه در قانون اساسی هند است و از نگاهی موسع بازنگری قضایی در هند از سه چارچوب بازنگری اقدام قانونگذاری، بازنگری قضایی

تصمیم‌های قضایی و بازنگری قضایی اقدام اداری تشکیل می‌شود.

این دادگاه در پرونده مذکور از بازنگری در اقدام قانون گذاری سخن به میان آورد. «تأمین‌های حقوق اساسی که برای مراجع عالی قضایی فراهم شده و برای قضات مراجع قضایی پایین تر و دادگاه‌های اداری ایجاد شده توسط قانونگذار وجود ندارد. لذا قضات مورد اشاره هرگز نمی‌توانند جایگزین‌های تمام و کمال قضات عالی در وظیفه تفسیر قانون اساسی باشد. بنا بر این قدرت بازنگری قضایی اقدام‌های قضایی مندرج در اصل ۲۲۶ دادگاه عالی و اصل ۳۲ راجع به دیوان عالی یک شاخصه کامل و اساسی و یک بخش بنیادی است. در این باره قدرت دادگاه عالی و دیوان عالی برای انطباق اقدام قوه مقننه را با قانون اساسی نمی‌تواند مستثنی کرد.

سازمان اداری تحت حاکمیت دولت که نهاد قانونگذار و دادگاه محسوب نمی‌شود، حقوق افراد خصوصی را با اعمالی مانند تصمیم‌گیری، مقررات پردازی، تحقیق، تعقیب، مذاکره، حل و فصل و اقدام‌های شکلی تحت تاثیر می‌دهد.

چنین سازمان‌هایی می‌تواند یک کمیسیون، هیات، نمایندگی اداره، متصدی، مدیر، اداره، تعاونی، اداره کل، بخش و سازمان باشند. زمانی که ریس جمهوری، دولت یا شهردار صلاحیت تصمیم‌گیری یا مقررات پردازی را ایفاء می‌کند در مقام یک سازمان اداری قرار می‌گیرد.

سازمان اداری نقش پایه‌ای و مهمی در طراحی و تاثیرگذاری برنظم اجتماعی اقتصادی دارد و از سویی قدرت در مقام اداری و سازمان‌ها می‌تواند به سوء مدیریت و فساد اداری منجر شود. نهاد اداری با مال خود کردن یا سوء استفاده از قدرت در حقیقت حقوق افراد را مورد غفلت یا بی‌احترامی قرار می‌دهند.

ویر K.C. Wheare در نوشته هایش متذکر می‌شود: بی‌ربط نیست بگوییم هر چه اداره بیشتری وجود داشته باشد، سوء مدیریت بیشتری نیز وجود خواهد داشت.»

با افزایش قانون شکنی ادارات، دخالت دادگاه‌ها در پرونده‌های درخواست بازنگری اقدام‌های اداری نیز افزایش یافته است. دادگاه‌ها در هند از اختیار فوق‌العاده کنترل و بازنگری اقدام اداری برخوردار هستند و نقش خلاقانه‌ای در رشته و توسعه حقوق اداری دارند. هدف بازنگری قضایی و قلمرو دادگاه‌ها شکل دادن به اصولی است که از طریق آن وظایف اداری می‌تواند مورد مقررات گذاری قرار گیرد.

در قضیه کارشناسان اتحادیه BALCO و اتحادیه هند Union of India ذکر می‌شود: «بدیهی است که هدف دادگاه‌ها و بازنگری قضایی در یک قضیه بررسی معقول بودن یک سیاست عمومی یا گزینش سیاست بهینه عمومی نیست. هیچ دادگاهی تمایلی به این ندارد که سیاست دیگری را منصفانه‌تر و عاقلانه‌تر یا عملی‌تر و منطقی‌تر بداند.» در بررسی این موضوع در عمل هنگامی که یک سیاست توسط دولت متحول می‌شود، دامنه بازنگری قضایی محدودتر می‌شود.

در قوانین موضوعه هنگامی که سیاستی بر اساس اهداف و صلاحدید به صراحت بیان می‌شود، دیگر نمی‌توان در باره آن صلاحدید نامحدودی را طرح کرد. لذا در موردی که مربوط به سیاستگذاری می‌شود یا نیازمند نظر کارشناسی است دادگاه می‌تواند تصمیم‌گیری را به کسانی موکول کند که موظف به انجام آن هستند.

در عمل قاضی جز در مواردی که سیاست یا اقدام نتیجه تناقض با قانون اساسی یا

قوانین یا حاصل خودسری یا رفتار غیرعقلایی یا سوء استفاده از قدرت باشد، در موضوع ورود نمی‌کند.

بازنگری قضایی با توجه به انعطاف پذیری از درجه سودمندی بالایی برخوردار است و هنگامی که قانون موضوعه با یک بازنگری یا رای استیناف منطبق نباشد، باز هم ذات انعطاف پذیر بازنگری برای شهروندان شرایط جبرانی را در صورت نبودن راهی دیگر فراهم می‌کند.

در هر حال در صورت وجود دیگر راه‌های جایگزین، تجدید نظرخواهی از طریق بازنگری قضایی مجاز نیست.

دکترین توقع قضایی^۱

دکترین «توقع قضایی» به حوزه حقوق عمومی تعلق دارد و برای فراهم کردن جبران لازم مردم در زمانی که امکان لازم برای اثبات ادعاهایشان با استناد به اصول قانونی خاص ندارند، بکار برده می‌شود.

در چنین مواردی در جریان یک واقعه حقوقی، توقع قانونی مردم مورد تعدی قرار می‌گیرد.

عبارت توقع قانون برای نخستین بار توسط لرد دنینگ^۲ مطرح و از آن زمان بعنوان یک دکترین مهم حقوق عمومی در تمام قلمروهای حقوقی اعمال شد. این دکترین در هند توسط دادگاه‌ها و برای بررسی اقدام‌های خودسرانه قدرت توسط مقام‌های اداری توسعه یافت.

در حقوق خصوصی، فرد هنگامی که حقوقش بر اساس قوانین موضوعه یا قرارداد نقض می‌شود می‌تواند به دادگاه مراجعه کند اما در حقوق عمومی حق طرح دعوی موسع بوده و حتی اگر یک توقع قانون از مقام عمومی برآورده نشود، می‌تواند زمینه طرح پیدا کند.

این دکترین یک فضای خاص بین «نبود امکان طرح دعوی» و «دعوی قانونی» است که در آن مقام عمومی در چارچوب یک توقع قانونی، پاسخگو شناخته می‌شود. برای مثال اگر دولت طرح برای ایجاد شبکه آب آشامیدنی تعدادی روستا را داشته باشد اما در تغییرات بعدی چند روستا از شمول اجرای طرح مستثنی شوند، موضوع مورد تعدی «توقع قانونی» اهالی روستاهای محروم شده از آب است و دولت در این مورد در صورتی که چنین اقدامی را بر مبنای انصاف و عقلانیت انجام نداده باشد، مسول شناخته می‌شود.

این دکترین به بخشی از اصول عدالت طبیعی مبدل شده و هیچ کس نمی‌تواند از «توقع قانونی» بدون توسل به اصول عدالت طبیعی محروم شود.

در کلیت حقوق اداری، توقع قانونی یک مثال دقیق خلاقیت قضایی است اما به هر حال آن را نباید امری فراتر از قانون اساسی و قوانین عادی دانست.

یک نمود این دکترین را می‌توان در اصل ۱۴ قانون اساسی هند مبتنی بر تقبیح

1. Legitimate Expectation

2. متولد ۱۸۹۲ از مشهورترین حقوقدانان انگلیس Lord Denning

خودسری و اصرار بر انصاف در تمام امور اداری دانست. اکنون مبرهن است که تامین اجرای اصل ۱۴ تنها در مواجهه با رفتار خودسرانه کفایت نمی‌کند و باید به حد برخورد با خودسری «اقدام اداری» نیز کشانده شود.

لذا این دکتربین بعنوان یک اصل مهم حقوق اداری برای تطبیق و مصالحه و آزادی شناخته می‌شود.

در حقوق هند نخستین اشاره به این دکتربین در دعوی دولت کارالا Karela و ماهداوان پیلائی KG. Mahdavan Pillai بود و طی آن دولت مصوبه ای در باره امکان ایجاد مدارس غیریارانه‌ای و تغییر وضعیت واحدهای کنونی وضع کرد اما ۱۵ روز بعد دستور ویژه ای اجرای آن را معلق کرد.

دستور اخیر بعنوان نقض اصول حقوق طبیعی محسوب شد و دادگاه رای داد که دستور حکومت «توقع قانونی» را در میان افراد مورد شمول ایجاد کرده و با فرمان دوم که بدون در نظر گرفتن اصول عدالت طبیعی بوده نقض شد و همین برای ابطال تصمیم کافی است. این دکتربین همچنین در دعوی اتحادیه رفاهی. WS.SC و دولت کارناتاکا Karnataka مورد اشاره قرار گرفت. در این مورد دولت در اطلاعیه ای برنامه پاکسازی محله‌های کثیف شهر را مطرح اما در اصلاحیه بعدی برخی محلات را از شمول آن خارج کرد. دادگاه رای داد که اطلاعیه اول «یک توقع قانونی» را در مردم آن مناطق ایجاد کرده و در اطلاعیه دوم آن را مورد بی‌توجهی قرار داده‌است از این رو انتظار قانونی را نمی‌توان بدون رسیدگی عادلانه نقض کرد.

لذا در جایی که فرد توقع قانونی اقدام در جهت خاصی را داشته باشد مقام اداری نمی‌تواند آن را بدون رسیدگی عادلانه انکار کند.

توقع قانونی رسیدگی عادلانه می‌تواند بصورت یک وعده یا رویه عملی ایجاد شده باشد.

در قضیه گروه خانه سازی Navioti علیه اتحادیه هند Union of India مقام مسوول عمران بدون اطلاعیه یا دادرسی، در یک طرح تقسیم زمین اولویت دریافت زمین شرکت‌های تعاونی را از شماره ثبت موسسه و تاریخ پذیرش به تاریخ پذیرش در لیست تغییر داد.

دادگاه با لغو این تصمیم به استناد تخلف از اصل توقع قانونی تاکید کرد که اگر افراد از سیاست قبلی دولت و ناشی از توقع قانون سود و نفع داشتند، حتی اگر بر اساس حقوق مدنی در باره تداوم آن حق قانونی نداشته باشند، باید قبل از تغییر آن در باره منافع و سود افراد زیاد دیده رسیدگی عادلانه انجام می‌شد.

در قضیه اتحادیه هند و شرکت توسعه هندوستان Hindustan دادگاه فرصت ترمیم مفهوم و چارچوب این نظریه را بدست آورد. دادگاه در باره مفهوم دکتربین و مبنای قانونی آن در زمان اعلام کرد که زمان به سه دسته تقسیم می‌شود: زمانی که ما آن را تجربه می‌کنیم، گذشته که در یاد ما است و آینده که رویای کنونی ما را تشکیل می‌دهد. از نقطه نظر حقوقی آمال و آرزو را نمی‌توان بعنوان الزام تعهدآور دانست و با مفهوم درخواست توقع قانونی متفاوت بوده و به حد دعوی قابل طرح بر اساس یک حق نمی‌رسد.

در این مورد هر چند یک درخواست و تمنا می‌تواند امید به اجرای کاری را فراهم کند اما این بخودی خود قابل مطالبه نیست و صرف ناراحتی از عدم اجرا زمینه‌ساز یک الزام

حقوقی برای ایفاء نیست و از این رو یک امید درونی یک توقع حقوقی شناخته نمی‌شود. قانونی بودن یک انتظار تنها زمانی ایجاد می‌شود که پشتوانه حقوقی، عرفی یا رویه ایجاد شده برای پیگیری طبیعی و حقوقی آن وجود داشته باشد. در آن صورت از انتظار صرف قابل تمیز خواهد بود. چنین انتظاری باید از نظر قانونی موجه و قابل حمایت باشد.

توقع قانونی به اندازه یک حق کامل ثمربخشی ندارد و به سرحد حق با مفهوم عرفی نمی‌رسد.

در یک قضیه در شرایط نبود هر گونه رویه قیمت تثبیت شده برای عرضه غذاهای غله‌ای، دولت سیستم قیمت گذاری دوگانه ای را بر اساس بهای پایین برای عرضه کنندگان بزرگ و بهای بالاتر برای عرضه‌کنندگان کوچک تعیین کرد تا با کارتل‌ها مقابله کند. دادگاه اعلام کرد که توقع قانونی به اندازه قوانین موضوعه مانند قراردادها و اصول تفکیک قوا و نهادهای مشابه تضمین نشده اند و امکان احصای عوامل بروز توقع قانونی نیز وجود ندارد.

دادگاه در باره چارچوب دکترین افزود توقع قانونی امکان حق طرح دعوی را به شاکی بر اساس بازنگری قضایی می‌دهد. اگر چه نقش توقع قانونی می‌تواند موجب به چالش کشیده شدن یک اقدام اداری شود اما دادگاه در باره آن تا زمانی که خودسرانه و غیرمعقول بودن، عدم تامین منافع عامه و عدم انطباق با اصول عدالت طبیعی یا نقض یک حق اثبات نشود، وارد عمل نخواهد شد.

مجموع این بحث به معنی آن نیست که یک اداره حق تغییر سیاست خود را ندارد و توقع قانونی را با استناد به منافع برجسته عمومی موجه جلوه داد.

دادگاه متذکر شد که استماع منصفانه پیش شرط اجرای قدرت اداری نیست و قاضی نیز نباید در زمینه اعمال صلاحیت توسط یک مقام اداری دخالت کند.

لذا بازنگری قضایی یک اقدام اداری بسیار محدود است، این دکترین کلید گنج حقوق طبیعی نیست و نمی‌تواند دروازه‌های جدیدی را بر دادگاه‌ها با توجه به صلاحیت محدود بگشاید. دادگاه باید به خویشتنداری دست زده و دعوی نقض انتظار قانونی را در محدوده حقوقی بررسی کند.

مفهوم انتظار حقوقی یک دکترین مهم را بوجود آورده است و نوظهورترین بخش از فهرست چارچوب‌هایی است که توسط دادگاه‌ها برای بازنگری اقدام اداری طراحی شدند.

این بحث در حیطه حقوق عمومی است و در دعاوی مربوطه زمینه ساز بنیان یک حق ذاتی و قابل اجرا است و بعنوان یک دکترین به همراه اصولی مانند قواعد حقوق طبیعی، حاکمیت قانون، عدم خودسری، اعتدال بودن، منصفانه بودن، ایجاب تعهد آور *romissory estoppel* و وظیفه امانی *Fiduciary duty* و شاید تناسب در جلوگیری از سوء استفاده از اعمال قدرت شناخته می‌شود.

اصل بنیادین دکترین حاکمیت قانون است که لزوم انتظام، قابل پیش بینی بودن و ارتباط مناسب دولت با عامه را طلب می‌کند.

دکترین پاسخگویی عمومی^۱

دکترین پاسخگویی مهمترین مظهر حقوق اداری در حال حاضر است و هدف بررسی نحوه شکل‌گیری سوءاستفاده از قدرت توسط اداره و تدارک سریع جبران‌های لازم برای خسارت دیدگان است.

این نظریه تاکید دارد که قدرت مقام های اداری حاصل اعتماد عمومی است و باید صرف بهترین منافع مردم شود لذا مقام امین اداری که دست به فساد اداری می زند، ضامن یک امانت قانونی خواهد بود.

شورای محرمانه مشاوران پادشاهی انگلیس^۲ در تحولات قضیه فرمانداری هنگ کنگ بر علیه Reid بشدت این اصل حاکمیت حقوق عمومی را توسعه داد.

لرد تمپلتن^۳ معتقد است رشوه‌خواری یک اقدام شیطانی است که نباید بنیان‌های جامعه مدنی را تهدید کند و در این تخلف هر گونه منافع توسط ضامن قانونی بر اساس اصل انصاف به دی نفع تعلق داشته و این قاعده ای است که هر گونه اصل حقوقی باید بر اساس آن تفسیر شود.

شورای محرمانه متذکر شد از زمان پذیرش رشوه توسط فرد امین قانونی که با تخلف از وظایفش دریافت می‌کند، وی در حقیقت امین مالی است که از رشوه دهنده گرفته است، اگر مال رشوه از نظر ارزش کاهش یابد امین مابه‌التفاوت را بپردازد اما ضامن ارزش افزوده شده بر مال رشوه نیست زیرا وی متعهد به مالی افزون بر ارزش رشوه نبوده است. این رای می‌افزاید دریافت یک هدیه که بنای ضمان قانونی است زمینه لازم برای نقض وظایف و ایجاد اساس رشوه را فراهم می‌کند.

در این پرونده Reid که دادستان سلطنتی هنگ‌کنگ بود برای جلوگیری از تعقیب برخی جنایتکاران رشوه دریافت کرده و با آن درز لاند نو اموالی را به نام خود، همسر و وکیلش خریداری کرد.

فرمانداری هنگ کنگ تصریح کرد که این اراضی به سود دولت سلطنتی امانت قانونی محسوب می‌شود. شورای محرمانه تصریح کرد اگر این اموال مشمول عنوان امانت قانونی نشود این خطر وجود دارد که آن را بتوان فروخت و بهایش را به حساب‌های بانکی منتقل کند.

نظریه امانت قانونی و انصاف برای تقویت پاسخگویی عمومی که در قضیه اخیر مطرح شد توسط دادگاه عالی هند در قضیه سال ۱۹۹۴ A.G. India و Amritlal Projivandas نیز استفاده شد.

در این مورد دادگاه به مفهوم اموال مکتسب از راه نامشروع مندرج در بند (۱) ۳ قانون ۱۹۷۶ راجع به قاچاق و متصدیان ارزش خارجی پرداخت. قانون اموال حاصل از قاچاق یا دیگر فعالیت‌های غیرقانونی صرف نظر از عنوان مجرم یا طرف دیگر را مستوجب ضبط شدن دانسته بود، دادگاه صحت و اعتبار مفهوم قانون را تایید کرد.

در قضیه Subash sing و Bihar دادگاه با اعمال دکترین «پاسخگویی عمومی» رای داد

1. Doctrine of Public Accountability
2. Privy Council
3. Tempelton Lord

که رییس اداره بصورت مطلق مسول و پاسخگو است مگر اینکه شرایط خاصی برای رفع آن موجود باشد.

دادگاه عالی سپس نظر داد که قطع نظر از مسولیت سلسله مراتبی برای تصمیم سازی، رییس اداره یا کارمند مشخص مسول و پاسخگوی نتایج اقدام انجام شده یا تصمیم اخذ شده است.

لذا اگر هر گونه عوامل رافع مسولیت وجود داشته باشد یا اینکه فرد دیگری می تواند مسول شناخته شود، وی باید مورد را در دادگاه اثبات کند.

کنترل کارمند وی را در یک نظام کیفر انتظامی قرار می دهد تا زمینه تضمین حاکمیت قانون فراهم شود. اصل پاسخگویی از طریق ضمان جبران توسط دادگاه Apex و با تقویت دو اصل دیگر متحول شد.

در قضیه Nilabati و دولت Orissa دادگاه تاکید کرد که نظریه مصونیت حاکمیت قابل تسری به نقض حق بر زندگی و آزادی شخصی تضمین شده توسط اصل ۲۱ قانون اساسی نیست.

در قضیه Mc. Mehta و اتحادیه هند، دادگاه نظر داد که اگر خسارت بر اثر حمل مواد خطرناک بوجود آمده است، مسولیت دولت یا سازمان های تابعه آن از نوع مطلق Absolutely Strict خواهد بود.

قلمرو پاسخگویی عمومی با توسعه اصل «پرداخت آلوده ساز» در آلودگی های زیست محیطی تقویت شد و هر مقام اداری برای ایفای شایسته و کارآمد وظایف قانون اش پاسخگو است.

نظریه تناسب^۱

دکترین تناسب در حقوق اداری یک موضوع مطرح و نهایی نشده است که تاکید دارد اقدام اداری نباید شدیدتر از حدی لازم برای کسب نتایج تعیین شده، باشد. این نظریه تناسب روند اقداماتی است که باید با عقلانیت تداوم یافته و از افراط و سخت گیری بدور باشد. دادگاه زمانی به اصل تناسب توجه می کند که مدیر اولویت های شخصی اش را مقدم دانسته باشد. لذا عدم تناسب در جایی است که یک حق بنیادین در جریان یک اقدام اداری و بدون توجیه حقوقی کافی نقش شده و این اقدام از تناسب کافی منطق با اهداف تعیین شده و لحاظ اولویت گذاری مجاز بدور باشد.

این دکترین در چارچوب زمینه نقض حقوق بنیادین مستلزم دو آزمون توازن و ضرورت است. آزمون توازن شامل توج به افزایش شدید در ضمانت اجرایی و تخلف از حقوق و منافع و عدم توازن در جوانب مربوطه است. آزمون «ضرورت» به این معنی است که محدود سازی حقوق بنیادین باید در حداقل ترین جایگزین های محدودکننده باشد. حقوق بنیادین بخشی از قانون اساسی هند را تشکیل می دهد و به همین دلیل دادگاه ها از دکترین تناسب در قضاوت راجع به معقول بودن محدود سازی حقوق بنیادین استفاده کرده اند.

در ۱۹۹۷ در رسیدگی به قضیه اتحادیه هند و G.Ganaythom دادگاه به دلیل عدم

ادعای شاکی در نقض حقوق بنیادین از رسیدگی به پرونده خودداری کرد. در حقوق کیفری نیز لزوم تناسب مجازات با شدت جرم ارتكابی یک اصل اساسی است.

دادگاه در قضیه ایالت Orissa علیه Vidya Bhushan Mhapatro راجع به موضوع انتظامی کارمند دولت اعلام کرد که اگر دادگاه عالی در باره غیرقابل تردید بودن برخی و نه تمام یافته های دادگاه انتظامی به قطعیت رسیده باشد، از صلاحیت وادارکردن مقام انتظامی به بازنگری مجازات برخوردار نیست.

قاعده تناسب در حد بحث های قانون اساسی و جایی که دادگاه باید در باره مستدل بودن اعمال محدودیت حقوق اساسی رسیدگی می کند، قابل اعمال است. بحث اعمال این اموضوع در حقوق اداری هنوز یک مسئله در حال تحول است.

نتیجه گیری

بازنگری قضایی قلب تپنده حقوق اداری است و قطعاً مناسب ترین شیوه برای بررسی صلاحیت حقوقی یک مقام اداری است. چارچوب اصلی رسیدگی قضایی یک تصمیم مقام اداری یا اقدام اداری تدقیق در باره صلاحیت مقام عمومی است و حقوق اداری نیز کنترل قضایی اداری را بعنوان یک چارچوب مهم تعیین کرده است.

قدرت مقام های اداری در جهان معاصر در حال افزایش است و به همین دلیل کنترل قضایی به یک حوزه مهم حقوق اداری مبدل شده است زیرا دادگاه ها در نظارت بر نحوه بکارگیری قدرت موثرتر و مفیدتر از نهاد قانونگذاری و خود قوه مجریه شناخته شده اند. دکنر توقع قانونی در میان نظریه های متعدد بکارگرفته شده توسط دادگاه برای بررسی سوء استفاده از قدرت مقام اداری مورد توجه بوده است و در چارچوب انعطاف پذیری انعطاف پذیری اقدام اداری مورد بحث قرار می گیرد.

دکترین پاسخگویی عمومی در هند از طریق رویه های قضایی و با تاکید بر قدرت اداری بعنوان امانت قانونی توسعه یافت.

دکترین تناسب بطور کامل بعنوان یک مفهوم قانون اساسی است اما اعمال آن حقوق اداری هنوز مورد بحث دعاوی و مدافعات بسیار زیادی است.